



بحث و جدال حیات مادر و جنین از نظر حقوقی

محمد حاج علی اکبری

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
mohammadhajialiakbari19@gmail.com

چکیده

غیر قانونی بودن سقط جنین در ایران با بسیاری از کشورهای جهان یک تفاوت اساسی دارد و آن هم این است که در ایران قوانین سقط درمانی فقط تا پایان 19 ماهگی اول بارداری وجود دارد و در ایران فقط در چهارچوب محدودیتهای خاصی می‌توانند قبل از 19 هفته اول بارداری اقدام به سقط جنین کنند در حالی که در کشورهای دیگری مثل آلمان، اتریش، سوئیس و بسیاری از کشورهای دیگر سقط جنین تا 19 هفته اصولاً جرم محسوب نمی‌شود و قوانینی که وضع شده برای پس از این 19 هفته معتبر است. سقط جنین طبی یا درمانی که در موارد خطرناک بوده ادامه ی حاملگی برای زن انجام می‌گیرد با اجازه ی پزشک قانونی و مراجع قضایی قابل اجراست. دلایل سقط جنین در قوانین کشورهای مختلف جهان متفاوت است ولی در قانون مجازات اسلامی ایران مجوز سقط جنین فقط برای مواردی است که وجود و حیات جنین منوط به خطر افتادن حیالت مادر می‌شود و در قوانین مدونه ی ایران این سقط معروف به سقط درمانی فقط تا پایان ماه چهارم و قبل از ولوج روح امکان پذیر است.¹

کلید واژه‌ها: حیات مادر، حیات جنین، سقط جنین، حقوق زن، ناهنجاری های جنینی.

مقدمه

در قوانین و مقررات مشاهده شد که هدف قانونگذار حمایت از حق حیات جنین با ممنوع شناختن سقط جنین است. این حق جنین است که با حمایت جامعه در طول دوران رشد خود از تعرض مصون باشد و این وظیفه بر عهده ی جامعه است. لیکن حالاتی استثنایی وجود دارند که قانون به مادران این اجازه را می‌دهد که مادران در حالت ضرورت به پزشک متخصص مراجعه و برای جفظ سلامتی خود اقدام به سقط جنین کنند. حال در این تحقیق سعی شد موارد سقط جنین طبی با توجه به موازین قانونی و یا استنباط از ماده 623 ق.م.ا شرح داده شود.²

در بخش اول اصول کلی سقط جنین را شرح داده شد و تعاریف کلی سقط جنین را (از نظر پزشکی و حقوقی و فقهی) ارائه داده شد تا خواننده با این اقدام آشنا شود.

در بخش دوم سقط درمانی را در دو بخش شرح داده شد در بخش اول که لب بحث است سقط درمانی در قوانین مدونه ایران توضیح داده شده و سعی شد موارد مجاز و طبی سقط جنین را توضیح داده شد. در بخش دوم ترجیحاً سقط درمانی را در قوانین کشورهای متفاوت آورده شد تا مطالعه تطبیقی نیز در این مورد داشته باشیم و در آخر گفتگویی با پزشک انجام شد.

اهمیت و اهداف تحقیق

امروزه به دلیل روز افزون سقط جنین و آمار بالای سقط های غیر قانونی این مساله اهمیت روز افزون پیدا می‌کند مادران باید بدانند در مواردی محدود و فقط در موارد پزشکی قادر به سقط هستند. در صورتی که جنین سالم و مادر مشکل جسمانی نداشته باشد حیات جنین اولویت دارد حتی اگر برای مادر به دلایل اجتماعی، اقتصادی و... ناخواسته باشد. در این موارد پیشگیری بهترین راه حل است و سقط جنین در قانون ما فقط در صورت وجود خطرات جدی سلامتی مادر یا جنین مجاز می‌باشد. جلوگیری از تولد کودکان معلول نیز بسیار حائز اهمیت است زیرا چنین افرادی علاوه بر

1) سالانه به طور متوسط تعداد 2000 مجوز سقط در مانی جنین با درخواست متقاضیان از سوی پزشکی قانونی صادر می‌شود.
2) ماده 623 ق.م.ا (هر کس بواسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالمأ و زن عاملأ زن حامله ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نمایند که جنین وی سقط گردد به حبس از سه ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد. (اسقاط عمدی جنین با وسایل شیمیایی یا فیزیکی) قانون مجازات اسلامی- تالیف رضا شاکری/ قادر سپروس ص 686

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجانشرقی، مراغه، بلوار شهید درخشسی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۲ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



ناراحتی های جسمی و روحی خود، هزینه ی هنگفتی بر دوش جامعه و مشکلات عدیده ای برای خانواده به بار می آورند.

فرضیه های تحقیق

- مادر به دلیل سلطه ای که انسان بر جسم خود دارد در هر صورتی می تواند اقدام به سقط جنین کند.
- مادر نمی تواند به اراده ی خود در هر صورت اقدام به سقط جنین کند.

روش کار و سابقه تحقیق

روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و ابزار جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای و با فیش برداری از منابع و استناد به متون قانونی بوده است. تحقیق و مقاله ای جدا از بحث کلی سقط جنین و به نام سقط درمان مشاهده نگردید، ولی این مطلب در میان کتابها و تحقیقات کلی سقط جنین نوشته شده و نگارنده سعی در تجزیه و تحلیل جدال حقوقی بین حیات مادر و جنین نموده است.

مبحث اول: مفهوم شناسی سقط جنین از نظر پزشکی، حقوقی و فقهی

واژه سقط جنین معادل واژه انگلیسی (Abortion) و واژه فرانسوی (Avortment) می باشد و به افتادن جنین قبل از نمو کامل در رحم اطلاق می شود در اصطلاح حقوقی نیز به همین معنی به کار می رود مبدا آن ابتدای حاملگی و نهایتش لحظه ی قبل از ولادت است و فرقی بین تشکیل جنین از راه مواقعه و یا سایر روشها نیست بنابراین سقط جنین عبارت است از ختم حاملگی قبل از اینکه جنین قابلیت زندگی پیدا کند که معمولاً قبل از هفته بیستم حاملگی است.

گفتار اول: تعریف پزشکی سقط جنین

سقط جنین در اصطلاح پزشکی عبارت است از خروج یا اخراج جنین پیش از آنکه قابلیت حیات مستقل را داشته باشد و چون جنین قبل از 6 ماهگی قادر به ادامه حیات مستقل نیست بنابراین اگر تا قبل از 6 ماه بارداری از رحم خارج شود آن را سقط شده تلقی می کند، از ماه ششم به بعد چنانچه جنین به دنیا بیاید قابلیت حیات داشته ولی شانس زنده ماندن آن به علت نارس بودن کم است. جنین موقعی سقط می گردد که در داخل رحم مرده و در نتیجه تمام یا قسمتی از جداره رحم کنده شده باشد و رحم به ناچار برای خارج کردن آن منقبض شده و تولید درد نماید از نظر پزشکی قانونی سقط جنین عبارت است از: خارج شدن حاصل باروری از رحم، در حالی که موجود تکوین یافته قادر به زندگی خارج از رحم نیست یعنی ختم حاملگی قبل از آنکه جنین قابلیت زندگی مستقل پیدا کند که معمولاً تا هفته بیستم حاملگی است.

گفتار دوم: تعریف حقوقی سقط جنین

در قوانین جزایی ایران چه قبل و چه بعد از انقلاب تعریفی از سقط جنین ارائه نشده است. فقها نیز در اغلب آثار خود تعریفی از سقط جنین ارائه نکرده اند و صرفاً به حالات و مراحل مختلف جنینی و مجازاتهای مترتبه آن اکتفا نموده اند سقط جنین از نظر حقوقی به معنای هرگونه اعمال مجرمانه ای است که موجب توقف دوران تکامل جنین و اخراج قبل از موعد طبیعی آن خواهد شد از آن جهت که تحقق این جرم با سلب حیات جنین زنده است بحث آن با احکام قتل نفس مطرح می گردد.

حقوقدانان تعاریف مختلفی از سقط جنین را اخراج عمدی و قبل از موعد حمل می داند و استاد گارسون معتقد است که سقط جنین عبارت است از منقطع ساختن دوران بارداری است و آقای دکتر پاد با الهام از مواد 180 تا 183 قانون مجازات عمومی اصلاحی 1352 سقط جنین را اینگونه تعریف کرده است (سقط جنین عبارت است از اخراج حمل قبل از موعد طبیعی زایمان به نحوی که زنده یا قابل زیستن نباشد).

بنابراین می توان گفت که اعمال هر گونه اعمال مجرمانه ای که منجر به توقف حیات جنسی و یا سلب حیات از جنین و اخراج قبل از موعد طبیعی آن گردد سقط جنین محسوب می گردد.

گفتار سوم: تعریف فقهی سقط جنین

در متون فقهی اسلامی با استفاده از آیات قرآنی و روایات وارده با تقسیم دوران جنینی به دوره ی قبل از ولوج روح نظریات فقهی متفاوتی ارائه شده است. آنچه که قدر مشترک فقهای اسلامی است مجازات های دوران قبل از دمیدن روح است که دیه ی آن در شرع مقرر گردیده است. مراحل گوناگون تشکیل و تکامل جنین و مجازات سقط آن با وجود اختلاف نظرهای جزئی بین فقها به شرح زیر است:

الف: مرحله قبل از ولوج روح: مراحل مختلف انعقاد و تکامل جنین قبل از دمیده شدن روح که مستلزم دیه است به شرح زیر می باشد.

1. نطفه: دوره ی ورود و استقرار نطفه در رحم که مدت تقریبی آن 20 روز است و دیه آن 20 دینار تعیین شده است.
2. علقه (تکه خون بسته شده): در این دوره جنین به خون جامد و غلیظ تبدیل می شود و تا حدود 4 هفته از عمرش می گذرد و دیه آن 40 دینار است.



3. مضغه (گوشت قرمز حاوی رگهای تو خالی آبی رنگ): در این مرحله جنین به صورت گوشت درآمده و تا حدود 8 هفته از عمر جنین می گذرد و دبه ی آن 60 دینار است.

4. عظام (استخوانهای کره مانند به شکل غضروف): در این مرحله سن جنین تا حدود 12 هفته و دبه اش 80 دینار است.

(1) جنین که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن دمیده نشده و تا حدود دوازده هفته به بالا عمر نموده است و دبه اش 100 دینار است.

(2) آیا سقط جنین بر اثر مشکلات اقتصادی جایز است؟ سقط جنین بر اثر مشکلات و سختیهای اقتصادی جایز نمی شود.¹

(3) پزشک بعد از معاینه در ماه های اول حاملگی به زن گفته است که استمرار بارداری احتمال خطر جانی برای او دارد و در صورتی که حاملگی ادامه پیدا کند، فرزندش ناقص الخلقه متولد خواهد شد و به همین دلیل پزشک دستور سقط جنین داده است، آیا این کار جایز است؟ و آیا سقط جنین قبل از دمیده شدن روح به آن جای است؟

5. ناقص الخلقه بودن جنین مجوز شرعی برای سقط جنین حتی قبل از ولوج روح در آن محسوب نمی شود، ولی اگر تهدید حیات مادر بر اثر استمرار حاملگی هستند به نظر پزشک متخصص و مورد اطمینان باشد، سقط جنین قبل از ولوج روح در آن اشکال ندارد.²

از بین بردن نطفه بعد از استقرار آن در رحم و همچنین سقط جنین در هیچ یک از مراحل بعدی جایز نیست.³ ب: مرحله پس از ولوج روح: در اینکه نشانه ی دمیده شدن روح در جنین چیست اقوال مختلفی از ناحیه ی فقههای اسلامی ابراز شده است، برخی می گویند در زمانی که آثار حیات پدید می آید ولی این نظر قابل تامل است زیرا جنین 10 روزه هم دارای آثار حیاتی است. پاره ای دیگر از فقها گفته اند از زمانی که جنین در شکم تحریک پیدا می کند اما این مساله هم از لحاظ علمی چندان واضح نیست وعده ی دیگری نیز گفته اند اگر جنین قابلیت زیستن منفصل از رحم را داشته باشد به هر حال طبق فتاوی فقه دبه ی جنین پس از ولوج روح دیده ی کامل است. نکته جالب اینکه در متون فقهی وقتی از جنایت علیه جنین سخن گفته می شود عمدتاً از دبه یاد می شود و فقها اسلامی نسبت به این موضوع که پس از ولوج روح در صورت عمد بودن سقط جنین قصاص ثابت است یا نه غالباً سکوت کرده اند. البته برخی از فقها نیز صراحتاً حکم جنایت بر جنین پس از ولوج روح را همچون جنایت بر انسان کبیر از جهت عمد یا شبیه عمد یا خطا دانسته اند و عده ای نیز گفته اند برای شخص صغیر در مقابل جنایت کبیر قصاص ثابت نیست.

از زمانی که روح در جنین دمیده می شود چون تشخیص دختر یا پسر بودن آن ممکن می شود دبه ی پسر دو برابر دختر خواهد بود اما در مراحل قبل از آن یکسان است. دبه ی اعضا جنین و مجروح کردن آن نیز به نسبت دبه ی خود جنین در وضعیت مذکور تعیین می شود. مجازات سقط جنین دوقلو یا بیشتر به همان تعداد تکرار می شود. در صورت ولوج روح در صورت عمدی بودن جنایت علاوه بر دبه کفاره نیز واجب است و چنانچه زن خود جنین خود را سقط کند دبه می پردازد و خود هیچ بهره ای از آن ندارد.

بدیهی است که بر مبنای قواعد اصولی چنانچه سقط جنین پس از دمیده شدن روح باشد و وجود آن برای مادر ضرر جانی داشته باشد بر اساس اصل انتخاب ضرر اخف باید اجازه ی سقط جنین را به زن داد ولی برخی از فقها اعلام کرده اند حتی برای نجات جان مادر نیز نمی توان جنینی را که روح در آن دمیده شده است سقط کرد. بر اساس اقوال این دسته از فقها تنها یک راه برای سقط جنین وجود دارد و آن این است که زنده بودن جنین محل تردید باشد و ضرر جانی مادر در بین باشد.

مبحث دوم: انواع سقط جنین

از حیث عناصر تشکیل دهنده در حقوق جزا و از نظر پزشکی قانونی تقسیم بندی های مختلفی از سقط جنین می توان ارائه کرد که عبارتند از:

الف: تقسیم بندی مبتنی بر عنصر قانونی جرم که از حیث مجازات های قانونی مترتب بر آن به 3 دسته تقسیم می شود.

1. سقط جنین مستوجب قصاص.

2. سقط جنین مستوجب دبه.

3. سقط جنین مستوجب تعزیر.

ب: تقسیم بندی مبتنی بر عنصر معنوی جرم که عبارتند از:

(1) رساله توضیح المسائل (محتشی امام خمینی) شش مرجع استفتائات آقای خامنه ای در مورد سقط جنین!

(2) همان صفحه 1166-1167

(1) همان، صفحه 1167³



1. سقط جنین عمدی
2. سقط جنین غیر عمدی
3. سقط جنین خطایی محض

ج: از نظر پزشکی قانونی شایع ترین تقسیم بندی به شرح زیر ارائه شده است:

1. سقط جنین طبیعی
2. سقط جنین طبی
3. سقط جنین جنایی

گفتار اول: سقط جنین طبیعی

در بسیاری از موارد زنان به علت ژنتیکی، تشریحی، مرضی، عوامل محیطی و تاثیر آنها بر ارگانها یا علل نامعلوم دیگری دچار سقط جنین طبیعی یا غیر ارادی می شوند و با پیشامد کوچکی در زندگی مانند احساسات و عواطف شادی بخش یا تاثیر انگیز یا مشاهده ی یک صحنه ی تصادف یا نزاع بدون آنکه ربطی به آنان داشته باشد و یا در صورتی که مورد ایراد ضرب یا حمله ی مستقیم قرار گیرند سقط جنین می نمایند. درصد زیادی از سقط جنین ها را این افراد به خود اختصاص می دهند. از هر سه زن یک نفر در طول عمرش یک بار جنین ود را سقط کرده، طبیعی است که این نوع سقط جنین از لحاظ قانونی مجازاتی را در بر نخواهد داشت زیرا آنچه این نوع سقط جنین را از موارد مشابه جدا می سازد رابطه ی علیت بین عمل زن و بروز سقط جنین یا به عبارتی فقدان عنصر اراده و فعل یا عنصر مادی اعم از عمد یا غیر عمد در بروز سقط است به همین علت آن را سقط جنین طبیعی یا غیر ارادی گویند.

گفتار دوم: سقط جنین طبی

در صورتی که ادامه ی حاملگی برای مادر خطر جانی در برداشته باشد یا موجب تشدید عوارض مرضی و وخامت حال او گردد تا قبل از ولوج روح عمل کورتاژ طبی با اظهار نظر پزشکی قانونی و مقام قضایی صورت می پذیرد. در قانون مجازات عمومی سابق نیز چنین امری پیش بینی شده بود.

معمولاً وقتی که مادر بیماری قلبی پیشرفته یا بیماری های مزمن دیگری از قبیل بیماری های ریوی و کلیوی داشته باشد و در صورت ادامه حاملگی یا هنگام زایمان خطرات جانی برای وی پیش بینی شود در چنین شرایطی به وی چنین اجازه ای داده می شود. بدون شک آزادی های پزشکی در چنین مواردی شدیداً تحت کنترل است و ارتباط تنگاتنگ و قانونی با این اصطلاح دارد. برای سقط جنین طبی یا درمانی نیز همچون سقط جنین طبیعی از نظر قانون مجازاتی متصور نیست.

در برخی ناهنجاری های جنین هم سقط مجاز اعلام شده است.

گفتار سوم: سقط جنین جنایی

هر نوع عملی که مشمول تعاریف سقط جنین طبیعی و طبی نباشد از مصادیق سقط جنین جنایی است. سقط جنین جنایی در حالات مختلفی امکان پذیر است.

الف: اخراج جنین پیش از موعد طبیعی توسط مادر با دستکاری رحم یا خوردن دارو یا ضربه ی عمدی.

ب: دستکاری رحم یا تجویز داروی ساقط کننده توسط پزشک یا اشخاص دیگری غیر از مادر.

ج: انجام سقط با وسایل مخصوص توسط پزشک یا ماما یا افراد غیر مجاز و قطع حاملگی بدون مجوز قانونی.

د: فصد جنایت از طرف زن یا راهنما یا عامل سقط شخص ساقط کننده یا کسی که تشویق یا ترغیب به این کار کرده و افرادی که به نحوی از انحاء در تهیه ی وسایل یا دارو دخالت و همکاری داشته اند قابل تعقیب کیفری خواهد بود. ماده 183¹ قانون مجازات عمومی سابق ارتکاب سقط جنین به وسیله ی متصدیان امور طبی را مورد ملاحظه قرار داده و صرف فراهم آوردن وسایل سقط حمل را جرم دانسته بود.²

در قوانین جزایی فعلی ایران نیز موارد 487 تا 493 و همچنین مواد 622 تا 624 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 به این موضوع اختصاص دارد که از این میان ماده ی 624 قانون مجازات اسلامی در موارد مداخله ی اطباء و قابله ها در سقط جنین می باشد. حقوقدانان نیز تعریف روشنی از این جرم به دست نداده اند و آن چنان که معلوم است در این مورد اختلاف نظر وجود دارد. فقهای امامیه که فتاوی آنان مبدا و منشا قانونگذاری در ایران می باشد تعریفی از جرم سقط جنین ارائه نداده اند و اکثراً به مراحل مختلف تکامل جنین و مجازات آن اکتفا نموده اند.

(1) طبیب یا قابله یا جراح یا دوا فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا قابلگی یا جراحی یا دوا فروشی وسایل سقط حمل را فراهم آورند از 3 تا 10 سال حبس با اعمال شاقه محکوم خواهند شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام طبیب یا قابله یا جراح برای حفظ حیات مادر است.¹
 (2) گلوزیان، دکتر ایرج پیشین، ص 169، فرانسه.²



مبحث سوم: تقابل حق حیات جنین با حق سلامت مادر

گفتار اول: ترجیح حق حیات جنین

مخالفتان سقط جنین بر این باورند که انسان از لحظه ی لقاح پا به عرصه ی وجود می گذارد. آنها استدلال می کنند که اگر کودکی به هنگام به دنیا آمدنش یک انسان است، آنگاه باید یک دقیقه قبل از به دنیا آمدنش نیز انسان باشد و همین طور یک دقیقه قبل از آن و الی آخر. با ادامه دادن این فرایند استدلال معکوس زمانی تا نقطه ی لقاح آنها نمی توانند مقطع اسرار آمیز زمانی را که در آن رویدادی معنادار آغاز انسان شدن را مشخص می کند تعیین کنند. از آنجا که به نظر می رسد خود لقاح تنها گسستگی صریحی باشد که آنها می توانند معین کنند. پس (طبق عقیده ی گروه های ضد سقط جنین) در همان لحظه است که تبدیل از غیر انسان به 100% انسان صورت می گیرد و روح وارد بدن شخص می گردد. لقاح در یک مقطع زمانی مشخص اتفاق نمی افتد. چه طور می توان لحظه ی دقیق لقاح را تعریف کرد؟ هنگامی که اسپرم در ابتدا با تخمک تماس حاصل می کند؟ وقتی که نیمی از آن وارد تخمک می شود؟ آخرین لحظه ای را که در آن می توان تخمک را خراب کرد بدون اینکه چنین کاری قتل کودک نامیده شو چگونه تعریف می شود؟ مخالفتان سقط جنین در پاسخ به اینگونه پرسشها از این موضوعات به عنوان چیز بی ربط یاد می کنند. بحث دیگری که توسط مخالفتان سقط جنین پیش کشیده می شود این است که یک جنین به عنوان یک انسان تلقی می شود چرا که اگر اجازه بدهیم که رشد کند، بالاخره یک انسان خواهد شد. مشکل ما با چنین استدلالی این است که از تمرکز بر واقعیت فعلی اجتناب می کند. جنین حتی ممکن است یک روز به یک بزرگسال بدل شود و سرانجام در سن پیری بمیرد. پس بدین ترتیب این استدلال هم می تواند معتبر باشد که یک جنین از همین حالا یک جسد است چرا که اگر اجازه دهیم به رشد خود ادامه دهد سرانجام خواهد مرد.

۱. زمینه های اختلاف

انسان قرن بیستم، با سرعت از معنویات و اخلاق فاصله گرفت و پشت پا به بسیاری از ارزشهای پذیرفته شده در تمام جوامع بشری زد؛ از جمله اینکه به زعم خود، به انسان آزادی داد و از حقوق بشر دفاع کرد و یکی از مصادیق حقوق بشر را آزادی روابط جنسی قلمداد نمود، اما در عمل، دچار تعارضات گوناگون گردید که مسأله سقط جنین، یکی از نمونه ها و نتایج آن است. پذیرش آزادی بی حد و حصر روابط جنسی و شیوع آن در سنین مختلف، طبعاً منجر به بارداریهای ناخواسته بی شماری می شود (به طور مثال، همه ساله در ایالات متحده آمریکا از هر هشت زن، سیزده تا نوزده ساله، یک نفر باردار می شود که چهل درصد از این حاملگیها به سقط جنین می انجامد).¹ که گاهی ناشی از روابط جنسی خودخواسته (زنا) و گاهی ناشی از زنا ی به عنف است.

مسأله بارداری مانع و سد بزرگی در مقابل این آزادی ایجاد می کند و بشر را بر سر دو راهی قرار می دهد؛ زیرا میل شدید به آزادی این روابط و برشمردن آن از مصادیق حقوق بشر از یک طرف، و جنینهای محصول این رابطه از طرف دیگر، مستلزم ترجیح یکی بر دیگری و ناگزیر موجب تضعیف و یا از بین رفتن آن می شود. از این رو، این عده، دانسته یا ندانسته به علت اصلی نپرداخته و مبارزه با معلول را وجهه همت خود قرار داده اند و به جای بازگشت به نظم و ضوابط اجتماعی و ارزشهای اخلاقی، که محصول تلاش فرزندانگان و بویژه انبیا و اولیای الهی بوده است، به حرکتی ارتجاعی رو آورده، با مسلم و بدیهی فرض کردن آزادی روابط جنسی، قویاً معتقد به از میان برداشتن هر مانعی و از جمله مسأله زنان باردار شدند. بدین ترتیب، با استناد به حقوق بشر، حقوق زن و به تعبیر صحیح تر، با استناد به اصل حاکمیت و حقانیت! در تعارض میل و خواسته مادر و حق حیات جنین، بی پناه ترین و بی دفاع ترین موجود، محکوم به نابودی می شود. اینان بر رعایت حقوق زنان پافشاری می کنند و معتقدند در جوامع غربی، قانونی شدن سقط جنین می تواند شفا و درمان بسیاری از امراض اجتماعی باشد.² با این وجود، هنوز بسیاری از کشورها با جواز مطلق سقط جنین مخالفند³ و ارباب کلیسا⁴ و حتی مردم برخی از کشورهای اروپایی بر این خواست خود پافشاری می کنند؛ برای مثال، مردم ایرلند شمالی در بیست سال گذشته، پنج بار درباره سقط جنین به پای صندوقهای رأی رفته اند و در هر بار، اکثریت آرا با مخالفتان بوده است. آنها در همه پرسشهای مکرر نیز بر این خواست خود پافشاری کرده اند.⁵

۲. مبنای اختلاف

برای درک درست نظر مخالفتان و موافقان سقط جنین، باید مبنای اختلاف مشخص شود. آنگاه ملاحظه خواهد شد که مبنای اختلاف، در تفاوت برداشت از حیات انسانی، حیات جنین، شرافت جنین، حقوق بشر و حقوق زن است.

¹ Mille & etc., 1997: P.171

² Willke, chapter 1

³ Summery 2002. P.P.1-5

⁵ Europes terms for terminations, 2002: P.P.1-3

⁴ محقق داماد، 1380: ص142



موافقان، حل معضلات عظیم اقتصادی و اجتماعی را نسبت به مساله سقط جنین بااهمیت تر دانسته، با استناد به حقوق بشر و لزوم رفع تبعیض و همسان سازی حقوق زن و مرد، سقط جنین را از حقوق مسلم زن قلمداد کرده، آنچه را که در رحم در حال رشد است، جزئی از اجزای مادر، فاقد حیات انسانی و تنها تکه ای گوشت، غضرف یا بافتی می دانند که فاقد هرگونه حقی است،¹ بنابراین مستحق کمترین احترام و توجه نیست. از نظر ایشان، اولین نگرانی و دلواپسی، باید معطوف به سلامت روحی، جسمی، رفاه و موقعیت خوب اجتماعی و آسودگی و آسایش مادر باشد.

از منظر فقهای امامیه، جنین موجودی محترم است و سقط آن، به جز مواردی که به عنوان ثانوی، سقط آن مجاز شناخته شده است، در هر مرحله ای که باشد، به استناد کتاب، سنت، عقل و اجماع، حرام و نامشروع است؛ زیرا شیعه امامیه، به زندگی نوع بشر، آن چنان اهمیت داده که از همه مرزهایی که فقهای مذاهب اسلامی در آنجاها توقف کرده اند، گذشته است. شیعه امامیه برای بذری که انسان از آن پدید می آید، پیش از آنکه در رحم زن افکنده شود، عوض مالی (ارش) معین کرده است و سپس در تعیین این عوض مالی، بر حسب مراحل رشد و نمو جنین در شکم مادر، درجه درجه پیش رفته است.²

از نظر ایشان، حیات جنینی دو مرحله اساسی دارد،³ از ابتدای انعقاد نطفه، تا زمان دمیده شدن روح، و از زمان دمیده شدن روح، تا زمان تولد.⁴ در مرحله دوم، جنین، انسانی همانند سایر انسانهاست و قتل انسان، به دلایل متعدد، حرام است که از جمله دلایل، آیه 151 سوره انعام است که می فرماید: «و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق» این آیه دلالت بر حرمت سقط جنین، بعد از دمیده شدن روح دارد.

عقل نیز حکم به حرمت ظلم می کند و سقط جنین را ظلم می داند؛ زیرا سقط جنین، تعدی نسبت به کسی است که قادر به دفاع از خود نیست.⁵

اما قبل از دمیده شدن روح، سقط جنین، به دلیل اینکه دارای حیات نباتی است و انسان بالفعل نیست، قتل نفس محسوب نمی شود؛⁶ اما به دلایل زیر، حرام و نامشروع است:

دلیل اول: روایاتی که دلالت بر حرمت سقط نطفه ای که در رحم واقع شده می کنند، دلالت بر حرمت سقط جنین در مراحل بعدی نیز می نمایند؛ از آن جمله است روایت اسحاق بن عمار:

«قال: قلت لابی الحسن علیه السلام: المراه تخاف الحبل فتشرب الدواء فتلقى ما فی بطنها- قال: "لا، فقلت: انما هو نطفه، فقال: ان اول ما یخلق نطفه»⁷؛ به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم، زنی از آبستنی اش می ترسد، دارویی می خورد تا آنچه در بطن دارد، بیندازد، (آیا چنین عملی جایز است؟) فرمود: خیر! عرض کردم (جنین در مرحله) نطفه است. فرمود: اولین چیزی که خلق می شود، نطفه است.

چنانچه ملاحظه می شود، در این روایت، امام علیه السلام می فرماید: اولین منزلگه موجود انسانی نطفه است. کلمه «لا» در جواب این سؤال که آیا سقط جنین جایز است، صراحت در تحریم دارد.

دلیل دوم: صحیحی ابی عبیده از ابی جعفر علیه السلام: «فی امراه شربت دواء و هی حامل لتطرح ولدها فالقت ولدها فقال:

«ان كان عظاما قد نبت عليه اللحم و شق له السمع و البصر فان علیها دیتة تسلمها الی ابیه و ان كان جنینا علقه او مضغه فان علیها اربعین دینارا او غره تسلمها الی ابیه» قلت: فهی لاترث من ولدها من دیتة؟ قال: "لا، لانها قتلتها".

امام باقر علیه السلام درباره زن بارداری که دارویی می نوشد تا فرزندش سقط شود و فرزند هم سقط می شود، فرمود: اگر آنچه سقط شد، به مرحله ای رسیده باشد که دارای استخوان و گوشت و چشم و گوش باشد، بر زن واجب است دیه او را به پدرش بپردازد. اگر به این مرحله نرسیده و علقه یا مضغه باشد، باید چهل دینار و یا عید یا کنیزی را به پدر او بدهد. راوی گوید: پرسیدم: آیا زن از دیه فرزند خود ارث نمی برد؟ فرمود: خیر؛ چون زن، او را کشته و قاتل ارث نمی برد.

این روایت، به ضمیمه ادله حرمت قتل نفس (از جمله آیه 33 سوره اسراء)، بر حرمت سقط جنین در مراحل علقه، تا قبل از دمیده شدن روح دلالت می کند.

¹ Fletcher & etc., 1998: P.17

² احمد ادريس، 1377: ص185

³ آیات 12 تا 14 سوره مؤمنون

⁴ شیخ طوسی، 1417: ص295 و محقق حلی، 1409: ص1045 و شهید اول، 1411: ص267

⁵ مکارم شیرازی، 1378: ص286

⁶ خوئی، 1407: ص409؛ حسینی بهشتی، 1379: ص70

⁷ حر عاملی، ج29، ص26



دلیل سوم: از روایاتی که بر وجوب تأخیر رجم زانیه باردار تا وضع حمل دلالت می کنند، استنباط می شود که حفظ جنین، امری لازم و واجب و سقط آن، حرام و نامشروع است. (خرازی، المقام السادس) از جمله مرسله شیخ مفید از امام امیرالمومنین علیه السلام:

«انه قال لعمر و قد اتي بحامل قد زنت فأمر برجمها، فقال له علي: 7: هل لك سبيل عليها، اي سبيلك علي ما في بطنها و الله يقول: و لاتزر وازره و زر اخرى؟ فقال عمر: لا عشت لمعضله لا يكون لها ابوالحسن، ثم قال: فما اصنع بها يا ابوالحسن؟ قال: احتط عليها حتى تلد، فاذا ولدت و وجدت لولدها من يكفله فاقم الحد عليها»¹

زن باردار زناکاری را نزد عمر آوردند. وی حکم به رجم آن زن کرد. حضرت علی علیه السلام به عمر فرمود: اگر سلطه ای بر زن، به واسطه زناکار بودن او داری، چه اختیاری نسبت به فرزند داخل رحم او داری؟ خداوند می فرماید: هیچ کسی بار گناه دیگری را بردوش نمی کشد. عمر گفت: در معضلی که پیش آید و ابوالحسن آنجا حاضر نباشد زنده نباشم. و ادامه داد: ای ابوالحسن! با او چه کنم؟ امام علیه السلام فرمود: از او نگهداری کن تا زایمان نماید و زمانی که فرزند را به دنیا آورد و کسی برای سرپرستی طفل پیدا شد، حد را بر او جاری کن.

این در حالی است که از ائمه معصومین، علیهم السلام، روایت شده: «لیس فی الحدود نظر ساعه»² با این حال این روایات، بر تأخیر اجرای حد بر زانیه حامل، دلالت می کند و ظهور دارد که لزوم حفظ جنین، علت تأخیر اجرای حد است. (خرازی، المقام السابع)

دلیل چهارم: روایات متواتر یا قریب به تواتر، دلالت بر وجوب دیه برای سقط جنین می کنند. فقهای امامیه نیز به اجماع، دیه را برای جبران خسارت ناشی از جنایت بر غیر، واجب و لازم دانسته اند. در این خصوص، شیخ طوسی چنین فرموده است:

دیه جنین تام الخلقه که روح در او دمیده نشده باشد، یک صد دینار است.... دلیل ما، اجماع فقهای امامیه و اخبار و روایات است.»

وجوب پرداخت دیه، به دلالت التزامی بر حرمت سقط جنین حکم می کند؛ زیرا دیه، جبران کننده خسارت حاصل از جنایت است و سقط عمدی، بدون اذن شارع، قطعاً حرام است.³

به عبارت دیگر، با توجه به اینکه اصل در وجوب دیه، این است که به سبب جنایت باشد، و جنایت عمدی نیز قطعاً حرام است، پس اسقاط عمدی جنین در هر یک از مراحل رشد، حرام خواهد بود.⁴

ممکن است به این دلیل خدشه وارد شود که تلازمی بین لزوم پرداخت دیه و حرمت وجود ندارد. برای مثال، اگر شخصی در خواب با غلطیدن روی کودکی، موجب مرگ وی شود، با اینکه پرداخت دیه لازم است، ولی گناه کار نیست. در جواب گفته می شود، اگر چه وجود تلازم بین لزوم پرداخت دیه با حرمت، محل بحث و مناقشه است؛ ولی مدعای ما، اقدام عمدی بدون اذن شارع است؛ یعنی کشتن عمدی انسان و سقط عمدی جنین در هر یک از مراحل رشد، مد نظر است.

با روشن شدن زمینه و مبنای اختلاف، اینک ادله موافقان سقط جنین مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد.

گفتار دوم: ترجیح حق حیات مادر

موافقان و مخالفان جواز سقط جنین، از یک سرزمین، یک طبقه اجتماعی، یک طرز فکر و مکتب خاصی نیستند؛ از این رو، هر گروه، متناسب با آرا و عقاید خویش، برای جواز یا عدم جواز سقط جنین، دلایلی ارائه می دهند. برخی مطلقاً تجویز، برخی مطلقاً منع، و برخی تحت شرایطی اجازه می دهند. نظرات گروه اخیر نیز، به لحاظ کمیت و کیفیت شرایط با هم دیگر تفاوت هایی دارند. در ذیل، اهم مواردی که موافقان سقط جنین، برای بیان ضرورت تشریح و قانونی شدن سقط جنین بیان کرده اند، مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

۱. حقوق و آزادی زن

موافقان سقط جنین و از جمله مدعیان طرفداری از حقوق بشر و طرفداران حقوق زن و فمینیستها بر این باورند که: اولاً، یکی از مصادیق آزادی و حقوق بشر، مسأله آزادی روابط جنسی است؛ به شکلی که جوامع امروزی، بدون توجه به تعالیم دینی، این امر را پذیرفته و مسلم قلمداد کرده اند. انسانها باید بتوانند از آزادیهای لازم بهره مند شوند و بدین منظور، باید تسهیلات لازم برای برخورداری از حقوق و آزادی آنان فراهم شده، هر گونه مانعی از سرراه برداشته

¹ حر عاملی، همان، ج 28: ص 108

² حر عاملی: ج 28، ص 47

³ مکارم شیرازی، 1378: ص 286

⁴ همان: ص 288



شود. روشن است که ممنوعیت سقط جنین، یکی از موانع عمده است که قانون گذاران کشورهای مختلف باید به بهترین وجه، این مانع را از سر راه بردارند.

ثانیا: حق هر زن است که به عنوان یک انسان، بر جسم و جان خود مسلط باشد و بدن خود را تحت کنترل قرار دهد و در راستای اعمال این حق مشروع، بتواند سقط جنین نماید؛ به عبارت دیگر، جنین، مادامی که در رحم مادر است، در واقع جزئی از مادر محسوب می شود و مادر حق دارد که این جزء را، در صورتی که به هر دلیل مزاحم و زاید بداند، به دلخواه خود سقط نماید و مراکز بهداشتی و درمانی نیز موظفند در اعمال این حق، به وی یاری رسانند.¹

این در حالی است که جنین، ایدا از هیچ حق قانونی برخوردار نیست² و همه زنان حق دارند در مورد باروری خود تصمیم بگیرند و حکومت و جامعه، باید درست به اندازه مردان از حقوق زنان در مساله باروری حمایت کند.³ برای نمونه، لازم است به رأی دیوان عالی کشور آمریکا و قانون آمریکا و مرتبط با همین موضوع است، توجه شود:

«دیوان عالی کشور ایالات متحده آمریکا در سال 1992، در دعوی Parnethhood.V. Casey، مجددا رأی Roe. V. Wade را تصدیق و تأیید نمود. به موجب رأی مزبور، یکی از حقوق اساسی زنان این است که در کلیه مراحل آبستنی بتوانند درخواست سقط جنین نمایند. البته به موجب این رأی، هریک از ایالات این حق را هم دارند که در مورد شیوه انجام سقط جنین (مثلاً با دارو یا جراحی) آیین نامه ای تنظیم نمایند و همچنین می توانند سقط جنین را در مورد جنین هایی که قابلیت حیات دارند⁴ ممنوع کنند، مگر در مواردی که حیات یا سلامتی مادر در معرض مخاطره باشد»، بعلاوه، دیوان عالی آن کشور مقرر نمود: «ایالات می توانند، وقتی زن باردار به سن قانونی نرسیده باشد، حداکثر 24 ساعت سقط جنین را به تأخیر انداخته و نسبت به اخذ رضایت نامه از یکی از والدین زن باردار، اقدام و یا موافقت قاضی را برای انجام سقط جنین اخذ نمایند.»⁵

مجلس قانون گذاری فرانسه، در تاریخ سی ام ماه می سال دوهزار و یک، قانون جدیدی را تصویب کرد که به موجب آن، زمانی را که مادر می تواند درخواست سقط جنین کند، از ده هفته به دوازده هفته افزایش داد و کسانی که مانعی در دسترسی به سقط جنین برای مادر فراهم کنند، مجرم شناخته شده و به مجازات مقرر می رسند.⁶

در بین 193 کشور جهان، تنها بیست و شش کشور، سقط جنین را مطلقاً جایز و قانونی می دانند.⁷ در مقابل، فرهیختگان و فرزندان جهان، فقهای اسلام و ارباب کلیسا و به طور کلی، وجدان بیدار انسانی، با این طرز تفکر که کمترین ارزشی برای موجود شریفی که خداوند در خلقتش فرموده است: «فتبارک الله احسن الخالقین»، در نظر نگرفته اند، شدیداً مخالف است.

قبل از تشریح دیدگاه فقه، تذکر مطالبی لازم به نظر می رسد:

منظور طرفداران جواز سقط جنین⁸ بنابر میل و خواست زن، این است که زن حامله، ملزم به ارائه هیچ دلیلی، اعم از موجه و غیر موجه نیست، و در غالب موارد، ایشان، قصد از بین بردن موانع پیش روی آزادی روابط جنسی را دارند؛ در حالی که بی بند و باری در روابط جنسی، با فلسفه ارسال رسل، که متمم مکارم اخلاق است، منافات دارد؛ بنابراین امری ناپسند و مردود است. بعلاوه، رعایت این آزادی، نمی تواند مجوز سقط جنین باشد؛ زیرا به حکم عقل و وجدان آزاد انسانی، اگر میل و خواست زن و یا لزوم التذاذ جنسی در یک کفه ترازو، و قتل نفس محترمه در کفه دیگر ترازو قرار داده شود، هرگز میل و خواست و التذاذ جنسی، مساوی با جواز سقط جنین، بویژه بعد از دمیده شدن روح نخواهد بود، بلکه رعایت حق حیات، بر میل، خواست و لذت جنسی مقدم خواهد بود. بنابراین سقط جنین، برای عدم محدودیت این آزادی، مجوزی نخواهد داشت.

اما این نیز جنین را جزئی از بدن مادر قلمداد کرده، او را برای از بین بردن این جزء ذبح می دانند، قابل قبول نیست؛ زیرا اصل ادعا محل تردید است؛ چون قیاس جنین با اجزای بدن یک انسان، قیاس مع الفارق است؛ به این دلیل که دست و پا و سایر اجزای بدن، حقیقتاً جزء بدن است؛ ولی جنین جزئی از اعضای بدن مادر نیست، بلکه خود انسانی کامل یا نارس با شرافت و حرمتی کاملاً یا تقریباً همانند مادر است که چند صباحی میهمان مادر بوده و در رحم وی بسر می برد به همین اعتبار است که در زبان عربی و لسان قرآن به جنین، حمل و به مادر، حامله اطلاق می شود و اگر جنین جزئی از بدن مادر محسوب شود، اتحاد حامل و محمول لازم می آید.

¹ Willke, chapter:P.29

² Fletcher & etc., 1998: P.20

³ Schenker & Eisenberg, 1999: PP.167-176

⁴ able to live outside the womb

⁵ State Abortion laws, 1973: P.2

⁶ Europes terms for terminations: france, 2002: P.2

⁷ Summery Abortion Law Around the World, 2002: PP.1-6

⁸ Pro-choice



اگر به فرض، جنین، جزئی از بدن مادر، محسوب شود، باز این مسأله، مجوز سقط جنین نیست؛ زیرا انسان، مالک تمامیت جسمانی خود، یعنی مالک نفس خود هم نیست¹ و بنابراین حق خودکشی ندارد (قال الصادق علیه السلام: «من قتل نفسه متعمدا فهو فی نار جهنم خالداً فیها»)² قال الله عز و جل: «و لا تقتلوا انفسکم ان الله بکم رحیم و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نصلیه ناراً و کان ذلک علی الله یسیراً»³ و خودکشی گناه بزرگی محسوب می شود؛ پس به طریق اولی، انسان، مالک نفس دیگری، اگرچه فرزندش باشد، نبوده و حق کشتن دیگری (سقط جنین) را هم نخواهد داشت. اگر میل و خواسته زن را از زاویه ای دیگر، یعنی در باردار شدن یا نشدن در نظر بگیریم، باید گفت: این آزادی نیز مانند آزادیهای دیگری که در جوامع بشری حکم فرماست، مطلق نبوده و دارای قید و شرط و محدودیت هایی است؛ از جمله اینکه اگر زن باردار شد، دیگر نسبت به نتایج آن مختار و آزاد نخواهد بود و ملزم است نتایج و عواقب آن را بپذیرد.

ممکن است در موارد زنا یا به عنف، به این استدلال خدشه وارد شود. پاسخ این است که اولاً، این مورد، خارج از موضوع بحث است؛ زیرا عنوان بحث، آزادی سقط جنین، بنابر میل و خواست زن، یعنی بدون نیاز به ارائه هرگونه دلیل و تمسک به هر عذری است؛ در حالی که موارد زنا یا به عنف، یکی از معاذیر است که شاید بتواند در برخی موارد و تحت شرایطی به استناد قواعد فقهی از جمله قاعده لاجرح، عذری موجه برای سقط جنین قلمداد شود. ثانیاً، چون اجتماع بشری، یک پیکره واحد است، عوارض ناشی از فساد و انحراف جوامع، دامن گیر همه افراد، اعم از مقصر و غیر مقصر می شود، و یکی از نتایج شوم آن، بارداری ناشی از زنا یا به عنف است که در هر حال، موجبات بروز مشکلات متعددی را برای این دسته از زنان فراهم می آورد.

از منظر فقه امامیه، با وجود احترام به حقوق و آزادی زنان در حدود موازین شرعی و قطع نظر از اینکه منشأ حاملگی زن چه بوده و انگیزه زن برای سقط جنین چیست، به لحاظ اینکه اصولاً از زمان استقرار نطفه، سقط جنین، حرام است، و قبل از نفخ روح، تنها به استناد دلیلی جدی، مثل حرج شدید، سقط جنین، مجاز دانسته شده است و بعد از نفخ روح، بنابر نظر مشهور فقهای امامیه، مطلقاً جایز نیست و بنابر نظر برخی، تنها در مواردی که جان مادر در خطر است، تحت شرایطی جایز است، سقط جنین به صرف میل و درخواست زن، و فقط برای رعایت آزادی و حق انتخاب او، دلیلی محکم محسوب نشده، نمی تواند مشروع تلقی گردد.

در هر حال، آنچه از فحوای کلام فقهای امامیه استنباط می شود این است که جنین، از ابتدای انعقاد نطفه، یک انسان است، ولی یک انسان ناقص،... جنین قبل از نفخ روح، یک گیاه یا یک لاشه حساب نمی شود، و خود، دارای حقوقی است. یکی از این حقوق، حق حیات است و همان طور که رعایت حقوق و آزادی زنان امری پسندیده و لازم است، متقابلاً رعایت حقوق جنین، بویژه حق حیات وی، که از نظر سیستم دفاعی و وضعیت حیاتی در موضع ضعیف تری است و حتی نیاز به حمایت بیشتری دارد نیز ضروری به نظر می رسد.⁴

2. حفظ جان مادر

در دوران گذشته، میلیونها زن در دوران بارداری به دلایل مختلف جان خود را از دست داده اند؛ در حالی که در زمان حاضر ضرورت دارد بشر متمدن، نسبت به رعایت حقوق مادران، دقت نموده و حساسیت بیشتری مبذول دارد و از تلفات بیشتر زنان جلوگیری کند و در مواردی که حیات مادر در معرض تهدید قرار می گیرد، بدون هیچ گونه تردیدی، سقط جنین مشروع قلمداد شود.

قوانین بسیاری از کشورها از جمله ایران، برزیل، اندونزی، ایرلند شمالی، لبنان، فرانسه و انگلستان، اسقاط جنین را برای حفظ حیات مادر و هنگامی که جان او در خطر باشد، اجازه می دهند؛ با این تفاوت که در برخی کشورها، مثل فرانسه⁵ در چنین شرایطی، از زمان انعقاد نطفه تا هنگام وضع حمل، چنانچه استمرار حاملگی منجر به تهدید جانی برای مادر باشد، مطلقاً امکان سقط جنین وجود دارد و در برخی دیگر، مثل ایران، انگلستان و آفریقای جنوبی، جواز آن را مقید به شرایط خاصی نموده اند.⁶

از منظر فقه امامیه، سقط جنین برای حفظ جان مادر، در دو دوره قابل بررسی است، قبل، و بعد از دمیده شدن روح.

¹ شهید ثانی، 1410: ص22
² حر عاملی: ج19، ص378
³ نساء، 29/30

⁴ مکارم شیرازی، 1378: ص286، تبریزی، 1416: ص333

⁵ FranceLaw,1980:P.3
⁶ Summery Aboration Law Around the world, 2002 :P.2



الف) قبل از ولوج روح، اگر مادر بترسد که ادامه بارداری موجب مرگش شود، بین وجوب حفظ نفس و حرمت سقط جنین، تزامم ایجاد می شود و با وجود اهمیت حفظ جان مادر نسبت به سقط جنین، مادر بر جنین ترجیح داده می شود و سقط جایز خواهد بود.¹

ب) بعد از ولوج روح، عده ای، بر این باورند که جنین، حیات انسانی دارد و در حرمت نفس انسانی، تفاوتی بین صغیر و کبیر و جنین و طفل وجود ندارد و نمی توان برای حفظ جان یک شخص، جواز قتل دیگری را صادر نمود. بعلاوه به مقتضای برخی روایات، حتی در مواقع ضرورت، اضطرار و تقیه (انما جعلت التقیه لیحقن بها الدم، فاذا بلغت التقیه الدم فلا تقیه)² اجازه ارتکاب قتل و سقط جنین داده نشده است.³

گروهی دیگر معتقدند حتی بعد از دمیده شدن روح نیز می توان سقط جنین کرد:⁴ اما مبانی متفاوتی دارند. برخی بر این عقیده اند که مادر می تواند برای دفاع از جان خود اقدام به سقط جنین نماید⁵ زیرا در مسأله دفاع، تفاوتی ندارد که هجوم از طرف عامل خارجی باشد یا از طرف عامل داخلی. در اینجا که جنین به عنوان میهمان، جان میزبان را نشانه گرفته است، مادر می تواند با سقط جنین، از جان خود حفاظت و دفاع کند.

برخی از باب تزامم، مادر را مجاز به سقط جنین می دانند. برای روشن شدن موضوع، لازم است توضیح مختصری در مورد قاعده تزامم داده شود: هرگاه دو حکم برای یکدیگر زحمت و مزاحمتی فراهم نمایند که نتوان به هر دو عمل کرد، این وضع را تزامم گویند⁶ مثلاً، هرگاه شخصی پدر و مادر فقیری دارد که باید مخرج هردو را بدهد، ولی تنها قادر به تأمین مخرج یکی از آنها است، در این صورت گفته می شود: بین حکم وجوب انفاق به پدر و حکم وجوب انفاق به مادر تزامم وجود دارد.⁷ در بحث حاضر نیز یا باید مرتکب حرامی شد که همان سقط جنینی است که روح در وی دمیده شده است، یا باید واجبی را ترک کرد که حفظ جان مادر از هلاکت است. این دو با هم تزامم دارند، یعنی اگر مادر بخواهد مرتکب حرام شود، بناچار باید واجبی را ترک کند. و آن وجوب حفظ نفس خود است. و اگر بخواهد ترک واجب نکند لاجرم، مرتکب حرام خواهد شد، و در باب تزامم و دوران بین محذورین، اگر مرجحی بر یکی از دو طرف نباشد، عقل حکم به تخییر می کند.⁸ بنابراین زن باردار مخیر بین حفظ نفس خود با سقط جنین است. برخی معتقدند با استناد به قاعده اضطرار، حرمت سقط جنین رفع می شود.

برای درک بهتر مطلب، لازم است ابتدا تعریف حکم واقعی و حکم اضطراری بیان گردد: حکم واقعی، عبارت است از حکم شرع در هر قضیه ای، بدون توجه به علم و جهل مکلف که ممکن است بدان پی ببرد و ممکن است پی نبرد و حکم اضطراری، که به آن حکم واقعی ثانوی می گویند، حکمی است که برای مکلف با توجه به حالات مختلف او، به استثنای حالت علم و جهل، وضع می شود.

این گروه از فقها با استناد به آیه سوم سوره مائده (که می فرماید: فمن اضطر فی مخصه غیر متجانف لاثم فان الله غفور رحیم؛ آنها که در حال گرسنگی دستشان به غذای دیگری نرسد و متمایل به گناه نباشند، مانعی ندارد از گوشتهای ممنوع بخورند. خداوند آمرزنده و مهربان است.) و آن فراز از حدیث نبوی رفع که می فرماید: «رفع عن امتی... و ما اضطرروا الیه...» (از امت من، چیزی که به آن اضطرار پیدا نمودند، برداشته شده است.) ادعا نموده اند که مقتضای این ادله، رفع حرمت از سقط جنین، به هنگام اضطرار است و همان طور که فقها عموماً به ادله اضطرار برای خوردن مردار، عمل نموده اند، در مسأله سقط جنین نیز به همین ادله تمسک می شود و چون فقط امکان حفظ جان یک نفر وجود دارد، مادر اضطراراً با سقط جنین، جان خود را حفظ می کند و این عمل وی، با استناد به ادله فوق، حرمت و ممنوعیتی ندارد. (خرازی، المقام السابع)

در نهایت، عده ای بر اساس بنای عقلا که در چنین مواردی فرد را مخیر بین دو امر می کنند. مادر را مخیر در سقط جنین یا حفظ جان خود می دانند. (همان)

بنابراین سقط جنین برای حفظ جان مادر، قبل از دمیده شدن روح، اجماعاً و بعد از دمیده شدن روح بر اساس برخی مبانی مجاز خواهد بود و نظر معتقدین به جواز سقط جنین، در چنین مواردی از منظر فقه امامیه، منطقی، مشروع و مبتنی بر بنای عقلاست.

¹ مکارم شیرازی، 1378، ص 286، تبریزی، 1416: ص 333

² حر عاملی: ج 16، ص 483

³ گلپایگانی، 1413: ص 172 و تبریزی، 1416: ص 333 و علی محمدزاده، 1375: ص 154 و محسنی، 1382: ص 64

⁴ تبریزی، 1416: ص 333

⁵ حسینی شیرازی، مسأله 3456 و خرازی، المقام السابع

⁶ مشکینی، 1413: ص 102

⁷ محمدی، 1375: ص 338

⁸ شیخ انصاری، 1419: ص 41



3. حفظ سلامت جسمی و روانی مادر

موافقان، در مواردی نیز که سلامت روانی یا جسمی مادر در معرض تهدید باشد، برای رعایت حقوق بشر و حقوق زن، اجازه سقط جنین می دهند و البته بدیهی است که این عنوان، مبهم و دایره آن بسیار وسیع است؛ زیرا حفظ سلامتی مادر و به عبارت دیگر، جلوگیری از ضرر به سلامتی وی، از نظر شدت و ضعف دارای مصادیق گوناگونی است؛ از قبیل: - ابتلای مادر به بیماری صعب العلاج یا غیر قابل علاجی که نیاز به درمان مستمر دارد و تأخیر در درمان در حین بارداری، موجب کاهش طول عمر وی شده و سلامتی او را در معرض خطر قرار می دهد.

- ابتلای مادر به نقص عضو دائمی در صورت ادامه بارداری
- ابتلای مادر به نوعی بیماری که به ظاهر خطرناک نبوده و حیات وی را به مخاطره نمی اندازد و موجب نقص عضو اساسی یا مرگ مادر نمی شود؛ مثل بیماریهای مربوط به لثه و دندان.

موافقان سقط جنین، بدون اختصاص مسأله به یکی از موارد فوق، معتقدند زمانی سلامت زنان افزایش می یابد که به آنان فرصت داده شود و یا نسبت به مسأله تولید مثل، حق انتخاب داشته و نسبت به جلوگیری از بارداری یا ادامه آن و یا سقط جنین حق انتخاب داشته باشند.¹

قوانین برخی از کشورها مثل شیلی، السالوادور، چاد و برزیل، هنگامی که استمرار بارداری موجب به خطر افتادن سلامت روحی و یا جسمی مادر شود، سقط جنین را جایز نمی دانند و برخی مانند سنگاپور، اسپانیا، سوئد، ایتالیا و نپال، مطلقاً جایز می دانند و سرانجام، برخی از کشورها از جمله ژاپن، ارمنستان، بلغارستان و قزاقستان تا شش ماهگی جایز می دانند.

از نظر فقه امامیه، سقط جنین برای حفظ سلامتی جسمی و روانی مادر، قبل از دمیده شدن روح، تنها به استناد قاعده نفی عسر و حرج و قاعده لاضرر، در صورتی که بقای جنین مستلزم نقص عضو یا درد غیر قابل تحمل برای مادر باشد و زنده نگه داشتن جنین در خارج رحم نیز میسر نباشد، امکان پذیر است و بعد از دمیده شدن روح، به دلیل اینکه این دو قاعده، از قواعد در حق تمامی مکلفین است، نمی تواند به نفع برخی (مادر) و ضرر برخی دیگر (جنین) مورد استناد قرار گیرد² بنابراین سقط جنین برای حفظ سلامتی مادر، اصولاً مجاز نیست و به عنوان ثانوی، تنها در صورت حرج و ضرورت، آن هم قبل از دمیده شدن روح، جایز خواهد بود.

4. علل اقتصادی

الف) مشکلات اقتصادی دولت‌ها باید توجه داشت که امروزه تولد هر انسان از منظر اقتصادی، هزینه های زیادی را بر فرد و جامعه تحمیل می کند و دولت‌ها عموماً مایلند، موالیذ بویژه موالیذ بی سرپرست و نامشروع که به مراتب هزینه های زیادتری را به بودجه عمومی تحمیل می کنند، کنترل شوند.

ب) عدم استطاعت مالی اولاً، در اکثر جوامع، بر خلاف قرون گذشته، تکالیف و مسؤولیتهای والدین، فوق العاده گسترده شده و فرزندان تا سنین بالا تحت حمایت والدین و به صورت کاملاً وابسته، به تحصیل یا کسب مهارت‌های گوناگون می پردازند. این مسأله باعث می شود که وجود فرزند، دست کم در کوتاه مدت، نه فقط موجب افزایش ثروت و قدرت مالی خانواده نشود، بلکه هزینه های آن را نیز افزایش دهد، به شکلی که بویژه در جوامع شهری، اداره بیش از دو فرزند، مشکلات فراوانی به همراه دارد. به همین جهت، خانواده ها، بیشتر به علت عدم استطاعت مالی، از داشتن فرزند زیاد گریزانند و بنابراین اقدام به سقط جنین‌های ناخواسته کرده و این عمل را به نفع خود و جنین می دانند.

ثانیاً، تعداد زیادی از حاملگیها، دست کم در جوامع غربی، مربوط به زنان باردار بی شوهر کمتر از بیست سال است³ که بعضاً از نظر اقتصادی نه فقط توانایی اداره جنین و فرزند را ندارند، بلکه تحت حمایت والدین خود می باشند؛ بنابراین عدم امکان سقط جنین، علاوه بر سایر مشکلات، منجر به تحمیل هزینه های سنگین دوره بارداری و مراقبت‌های پزشکی و هزینه های زایمان، حضانت و سرپرستی فرزند می شود.

از منظر فقه امامیه، قبل از دمیده شدن روح، فقط با وجود دلیلی جدی و قوی، می توان حکم به جواز سقط جنین داد؛ دلیلی که دارای آن چنان مصلحتی باشد که بر حرمت از بین بردن موجودی که قرار است پس از سیر تکاملی خود به مرحله ای برسد که دارای نفس انسانی گردد، فایق آید.

بنابراین عدم استطاعت مالی خانواده، عدم تمایل والدین به فرزنددار شدن و مشکلات زنان باردار بی شوهر، نمی تواند مجوز سقط جنین باشد؛ زیرا اولاً، اینگونه مسائل، در حدی نیست که بتوان مجوز برای سقط جنین صادر کرد؛ ثانیاً،

¹ Schenker & Eisenberg, 1997 :P.167

² حسینی سیستانی، 1414: ص407، مکارم، 1378: ص294 و محسنی، 1382: ص66
³ غانم، 2001: ص130



صدور جواز سقط جنین، غفلت یا تغافل از علت و پرداختن به معلول است؛ بعلاوه، در چنین مواردی باید با آموزش مناسب از باردار شدن ممانعت گردد، نه با استناد به فقر و مشکلات اقتصادی، قتل جنین مشروع قلمداد شود. با این وجود، اگر مسایل فوق، قبل از ولوج روح، و در موارد بسیار استثنایی، حقیقتاً موجب عسر و حرج مادر شود، به نظر می رسد به عنوان ثانوی بتواند مجوز سقط جنین تلقی گردد؛ ولی بعد از نفخ روح، بنابر نظر اکثریت قریب به اتفاق فقهای امامیه، نه این مساله و نه هیچ مساله دیگری نمی تواند مجوز ارتکاب قتل نفس محترمه تلقی گردد.

5. علل اجتماعی

الف) لزوم هماهنگی با واقعیات اجتماعی از نظر موافقان، امروزه در جوامع مختلف، محدودیتهای گذشته جوامع سنتی وجود ندارد. زنان با حقوق خود آشنا شده و سرانه آموزش عمومی، به طور چشم گیری افزایش یافته و جوامع بشری، آزادی روابط جنسی را پذیرفته اند. روابط آزاد جنسی، منجر به حاملگی های ناخواسته زیادی، بویژه بین زنان مجرد کمتر از بیست سال شده است و در چنین شرایطی، این معضل اجتماعی، یعنی عدم امکان و عدم تسهیل سقط جنین اولاً، سلامت روحی و جسمی زنان حامله را به خطر می اندازد، ثانیاً، موجب افزایش آمار خودکشی بین چنین زنانی می شود، ثالثاً، در اغلب موارد، موجب تحمیل مسؤلیت حضانت و سرپرستی فرزندان به زنانی می شود که به علت سن کم، خود نیز تحت سرپرستی بوده و توانایی پذیرش مسؤلیت حضانت و سرپرستی فرزند را ندارند و رابعاً، موجب تحمیل جنین ناشی از تجاوز یا زنا با محارم به زنانی می شود که قربانی تجاوز هستند و عدم امکان سقط جنین، آرام ناشی از زنا را صدچندان خواهد کرد.

با توجه به واقعیات موجود، باید سیاستمداران، حاکمان، حقوق دانان، علمای اخلاق، جامعه پزشکی و سایر دانشمندان، با این معضل به درستی رو به رو شوند و ممنوعیت و عدم تجویز قانونی آن برای حفظ حیات و احترام به حیات جنین، نه فقط موجب وصول به این هدف نمی شود، بلکه عملاً علاوه بر سقط جنین، حیات مادران را نیز به خطر خواهد انداخت؛ زیرا در این صورت، آنان چاره ای جز سقط مخفیانه، غیر بهداشتی و خانگی و رجوع به افراد بی صلاحیت نخواهند داشت.

اصولاً از منظر فقه امامیه، مطالب فوق، اگرچه حقایقی تلخ است، نمی تواند اطلاقات و عمومات حرمت سقط جنین را تقیید یا تخصیص بزند. بنابراین نمی تواند استدلالی محکم برای تجویز سقط جنین و به تعبیری صحیح تر و صریح تر، مجوز قتل محسوب گردد؛ بلکه باید آسیبهای اجتماعی ریشه یابی و نابود گردند و با تعلیم و تربیت صحیح، مفاسد اجتماعی از جامعه ریشه کن شود. پس واقع بینی و مقابله صحیح با معضلات اجتماعی، این است که زمینه بروز آنها از بین برود. با این وجود، قبل از ولوج روح، اگر به نظر قطعی یا اطمینان آور کارشناسان، مسائل فوق، در حدی باشد که موجبات عسر و حرج و ضرورت را فراهم نماید، می تواند مجوز سقط جنین باشد.

ب) در شرایط خاص که از طرف دولت اعلام می گردد ضرورت کنترل مولید بر اساس نظر کارشناسان علوم اجتماعی و اقتصادی، ازدیاد یا انفجار جمعیت سبب بروز مشکلات زیادی شده است و از این رو، کنترل مولید از مسائل ضروری زندگی بشر است. این مساله، به لحاظ محدودیت منابع طبیعی، اقتصادی و وسائل، تجهیزات و امکانات آموزشی، به دولتها به عنوان مدیران جوامع مختلف بشری، این حق را می دهد که برای جلوگیری از ازدیاد جمعیت، قوانین و مقررات مختلفی را وضع نمایند و علاوه بر تجویز قانونی، انجام آن را تسهیل و تشویق نمایند.¹ با نگاهی منصفانه به مطالب فوق، می توان چنین نتیجه گرفت: با اینکه ازدیاد یا انفجار جمعیت، سبب مشکلات زیادی می شود، این موضوع نمی تواند مجوز سقط جنین باشد.

از نظر فقهای امامیه، اگرچه قبل از دمیده شدن روح، جنین یک انسان کامل قلمداد نمی شود، در صورتی سقط آن جایز خواهد بود که ضرورتی محقق شده باشد و بر فرض تحقق ضرورت، کنترل مولید، به دلیل اینکه راههای جلوگیری از باروری متعدد و منحصر به سقط جنین نیست، نمی تواند مجوز سقط جنین باشد. اما بعد از دمیده شدن روح، به طریق اولی، مشکلات جمعیتی در هر حد و کیفیتی که باشد، نمی تواند مجوز سقط باشد؛ زیرا مشکلات مزبور، تا حدی نیست که قتل عمد را مشروع نماید.²

نتیجه گیری

با عنایت به مطالب فوق به خوبی موضع موافقان سقط جنین معلوم گردید که به جز گروههای افراطی طرفدار حقوق زن، که مطلقاً سقط جنین را با یا بدون دلیل موجه جایز می دانند، در سایر موارد، وجود اختلاف بین اندیشمندان، منطقی است و هر کدام برای اثبات مدعای خود دلایلی دارند. با الهام از آیات الهی و احادیث معصومین (علیهم السلام) می توان نتیجه گرفت که بین جنین با انسان، تفاوتی وجود دارد؛ ولی با استفاده از عمومات و اطلاقات ادله حرمت قتل نفس و

¹ غانم، 2001: ص131

² مکارم شیرازی، 1378: ص296 و همو، 1377: ص57



احتیاط در دماء، و برخی روایات، در هر حال جنین در طول دوران بارداری، بالقوه یا بالفعل انسان است و کشتن وی، حرام است و در مواردی که وجود جنین حیات مادر را تهدید می کند یا در موارد زنا، ناهنجاریهای جنینی و مسایل حاد اجتماعی و اقتصادی، در صورت تحقق ضرورت یا وجود حرج شدید و تنها قبل از نفخ روح، سقط جنین، جایز و مشروع است.

پس از بررسی اجمالی و کلی قوانین 193 کشور جهان، می توان نتیجه گرفت که اکثر کشورها جنین را بویژه بعد از مدت معین از شروع دوران بارداری، انسان تلقی کرده و وی را دارای شخصیت و حق حیات دانسته، و برای وی، نوعی احترام و کرامت قائلند و فقط تحت شرایط خاصی سقط آن را مجاز می دانند.

منابع و مأخذ

- 1 احمد ادريس، عوض، ديه، ترجمه علیرضا فیض، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ دوم، 1377
- 2 اشرفی، منصور، اخلاق پزشکی، تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، چ اول، 1367
- 3 انصاری، شیخ مرتضی، فرائد الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چ اول، 1419، مجلد چهارم
- 4 اشتیاقی، رامین، جنین های ناقص الخلقه و سقط جنین، مجموعه مقالات دومین سمینار دیدگاههای اسلام در پزشکی، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، چ اول، 1380
- 5 بهشتی، احمد، تربیت از دیدگاه اسلام، قم، دفتر نشر پیام، چ اول، 1362
- 6 تبریزی، میرزا جواد، صراط النجاه، قم، انتشارات سلمان فارسی، چ اول، 1416، مجلد اول
- 7 جهانیان، منیره، ولوج روح و سقط جنین، مجموعه مقالات دومین سمینار دیدگاههای اسلام در پزشکی، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، چ اول، 1380
- 8 حر عاملی، محمد بن الحسن بن علی، وسائل الشیعه، قم، انتشارات موسسه آل البیت(ع)، چ دوم، 1414، مجلد 15، 16، 19، 28، 29
- 9 حسینی بهشتی، سید محمد حسین، بهداشت و تنظیم خانواده، تهران، انتشارات بقیه، چ اول، 1379
- 10 حسینی سیستانی، سید علی، المسائل المنتخبه، قم، انتشارات مهر، 1414
- 11 خرازی، سید محسن، تحدید النسل و التعقیم (2)، فقه اهل البیت، شماره 15
- 12 خوئی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، قم، انتشارات علمیه، 1407، مجلد دوم
- 13 شهید اول، اللمعه الدمشقیه، قم، دار الفکر، چ اول، 1411
- 14 شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، الخلاف، قم، موسسه النشر الاسلامی، چ اول، 1417، ج 5
- 15 طباطبائی حکیم، سید محمد سعید، فتاوی طبیه
- 16 العاملی الجبعی(شهید ثانی)، زین الدین بن علی بن احمد، الروضه البهیة، قم، انتشارات دآوری، 1410، المجلد الثانی
- 17 علی محمد زاده، خلیل، پزشکی در آئینه اجتهاد، قم، شرکت خدمات فنی میرور، چ اول، 1375
- 18 غانم، عمر بن محمد بن ابراهیم، احکام الجنین فی الفقه الاسلامی، بیروت، دار ابن حزم، چ اول، 2001
- 19 کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ سوم، 1367، ج 7
- 20 گلپایگانی، محمد رضا، ارشاد السائل، بیروت، دار الصفوه، چ اول، 1413
- 21 مجاهدی، محمد جواد، سقط جنین، مجموعه مقالات دومین سمینار دیدگاههای اسلام در پزشکی، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، چ اول، 1380
- 22 محسنی، محمد آصف، الفقه و مسائل طبیه، قم، بوستان کتاب قم، چ اول، 1382، الجزء الاول
- 23 محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران، انتشارات استقلال، چ دوم، 1409، ج 4
- 24 محقق داماد، سید مصطفی، سقط جنین مجموعه مقالات دومین سمینار دیدگاههای اسلام در پزشکی، مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، چ اول، 1380
- 25 محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی یا اصول فقه، تهران، دانشگاه تهران، چ نهم، 1375
- 26 مشکینی، میرزا علی، اصطلاحات الاصول و معظم اباحتها، قم، دفتر نشر الهادی، چ پنجم، 1413
- 27 مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیه مهمه، 1378
- 28 مکارم الشیرازی، ناصر، المسائل المحدثه، القسم الثالث، فقه اهل البیت، 1377، العدد 11 و 12



Controversy of Life Mother & Fetus From Legal Point View

Mohammad Haj Ali Akbari

Ph.D Student in Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
mohammadhajaliakbari19@gmail.com

Abstract

The illegality of abortion in Iran has a fundamental difference from many countries in the world, and that is that in Iran, abortion laws exist only until the end of the first 3 months of pregnancy, and in Iran only within the framework of certain restrictions, they can be performed before 3 months. perform an abortion at the beginning of pregnancy, while in other countries such as Germany, Austria, Switzerland and many other countries, abortion up to 3 months is not considered a crime in principle, and the laws established for after these 3 months are valid. Medical or therapeutic abortion in dangerous cases, the continuation of the pregnancy for the woman is performed with the permission of the forensic doctor and judicial authorities. The reasons for abortion are different in the laws of different countries of the world, but in Iran's Islamic Penal Code, abortion is permitted only in cases where the existence and life of the fetus is subject to endangering the mother's pregnancy, and in Iran's codified laws, this abortion, known as therapeutic abortion, is only permitted up to The end of the fourth month and before the end of the soul is possible.

Keywords: Mother Life, Fetus Life, Abortion, Women Rights, Fetal Abnormalities.